

بافت‌های تاریخی کتابهایی پاره پاره هستند

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۰۰

یک استاد دانشگاه گفتنابودی منابع تاریخی به معنای نابودی بخشی از شناسنامه فرهنگی هر کشور است. و چقدر آسان برخی آگاهانه یا ناآگاهانه مشغول این پاکسازی هویتی هستند

غلامحسین معماریان -دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران- است که دارنده مدرک کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه جنوآی ایتالیا در سال ۱۹۸۶ و دکترای معماری از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۹۹۸ است. وی تا کنون بیش از ۱۶ جلد کتاب در حوزه معماری به رشته تحریر درآورده است. با وی درباره بافت تاریخی به گفت و گو نشستیم.

تخریب بافت‌های تاریخی از چه زمانی آغاز شد؟

از هنگامی که رضا شاه تخریب‌های گسترده خود را در شهرهای تاریخی ایران آغاز نمود حدود ۸۰ سال می‌گذرد اما ماجرای این تخریب‌ها هنوز ادامه دارد تا جایی که متأسفانه از بافتهای تاریخی برخی شهرها مانند مشهد و کرمان به جز تعدادی بنای ثبت شده و بناهای بزرگ مانند مساجد و مدارس و بخشی از بازارها دیگر چیزی باقی نمانده است. نکته مهم در اینجا تخریبهایی است که روی آثار دوران اسلامی متمرکز شده و تا چندی دیگر ما چیزی بنام شهر دوران اسلامی با بافتی منسجم نخواهیم داشت.

با ازبین رفتن این بافت‌ها مشخصاً و به صورت ویژه در حوزه معماری چه اتفاقی می‌افتد؟

تخریب بافتهای تاریخی به مثابه نابودی اصلی ترین منبع علمی تاریخ معماری ایران است شهرهای تاریخی به عنوان منبع علمی مهم‌ترین شاهد ما و محصول گروهی مردم و معماران در گذشته بوده است. محصولی در کیفیت‌های مختلف و بجای مانده در نقاط مختلف ایران.

هر بنا محصول یک معمار سنتی بوده و می‌تواند به عنوان یک مرجع علمی برای شناخت تاریخ معماری معماری ایران مورد استفاده قرار گیرد. اگر یک بنا منبعی مهم علمی برای فهم معماری گذشته باشد، ده‌ها و صدها بنا یک گنجینه از اطلاعات ارزشمند را در اختیار ما قرار می‌دهند. برای نمونه شهر شیراز قدیم تا اواخر قاجار حدود ۶۵۰۰ خانه را در خود جای می‌داده است.

این شهر طی قرن‌ها رشدی تدریجی داشته است هر چند شاکله اصلی آن قرن‌ها حفظ شده بود اما در اوایل پهلوی داستان به صلیب کشیدن شهرهای ایرانی (دی آنجلیس ...) اتفاق افتاد.

داستان به صلیب کشیدن شهرهای ایرانی چیست؟

رضا شاه در همه شهرها خیابانهای صلیبی را احداث کرد. این خیابانها صدها خانه و مسجد و مدرسه و بازار را در کرمان شیراز، اصفهان، قم، یزد، تبریز و ... از بین برد. با این وجود تا حدود ۳۰ سال پیش یعنی دهه ۱۳۶۰ هنوز بخش بزرگی از درون بافتها سالم بودند. در این سه دهه بخش بزرگی از اندامهای شهری درون بافتها تخریب شد. آنچه که در درون این شهر و شهرهای دیگر به عنوان مسجد، مدرسه، خانه، حمام، بازار و ... وجود داشت و دارد همه منابع علمی بودند که معماران گذشته از آنها درس می‌گرفتند. شش هزار خانه در شیراز مجموعه ای از مراجع علمی را شکل می‌داد که معماران سنتی برای تداوم معماری آن شهر از آنها بهره می‌گرفتند. مشاهده و ثبت تصویری آنها در ذهن معماران و تطبیق آن با شرایط طراحی زمانشان، یکی از عوامل مهم تداوم طرحها بوده است.

شهرها و آبادیهای ایران هر کدام یک کتاب هستند. شهر و آبادی در اینجا ظرفیایی هستند که در آن صدها اندام طراحی شده جای گرفته‌اند. آنها به عنوان اصلی‌ترین منبع دریافت اطلاعات معماران بوده است.

و اجزا این کتاب چیست و توسط چه کسانی طراحی شده است؟

بیشتر نیازهای مصنوع این آبادیها توسط معماران طراحی و اجرا می‌شد: یک دیوار ساده، دروازه شهر، میدان، مغازه، ساباط، دربند، باغ، آبراه، سردرها، بدنه سازیها، کف سازیها، سقاخانه، تکیه، حسینیه و هر آنچه که با یک نوع ماده ساختمانی جان می‌گرفت. آبادیهای بوده‌اند که در مقیاس کلان توسط غیر معماران طرح‌ریزی می‌شد، مانند آنچه که شیخ بهایی برای نجف آباد اصفهان انجام داد و یا ربع رشیدی در تبریز، اما تحقق آنها تنها بوسیله معماران صورت می‌گرفت.

شهرهای تاریخی ایران تا پیش از دوره پهلوی چگونه بودند؟

انسجام خاص خود را داشتند. همه اندام‌های آن در یک سیر تاریخی و تدریجی بر اساس نیازهای باشندگان شهر در کنار هم شکل گرفته بودند. کتابی منسجم که دخالت‌های معاصر در آن دیده نمی‌شد. کتابی که صفحاتش سالم بود، هر عنصر و جزء آن شخصیت خود را داشت و در تعامل با دیگر اعضاء بودند.

با تخریبهای صورت گرفته در ۸۰ سال اخیر ما دیگر چیزی بنام شهر منسجم کهن نداریم. شاید چند آبادی کوچک مانند ابیان و ماسوله که باشندگان اصلیش را از دست داده اند وجود داشته باشد اما شهرهایی که امروز برای ما به یادگار مانده‌اند کتابهایی پاره پاره هستند. شهرهایی مصلوب شده که ساختار اصلی خود را از دست داده‌اند هر محله یا هر چند محله جزیره های مستقل

شده‌اند. حتی گاهی یک ارسن و یا یک تک بناها نیز به یک جزیره تبدیل شده است.

درست است که این تخریب‌ها ۸۰ سال پیش به نام پیشرفت به شکل اروپایی شکل گرفت اما همچنان در طول ۳۴ سال پس از انقلاب هم تداوم یافته است؟

بله دقیقاً، اگر مراجعه حضوری به این محلات داشته باشیم خواهیم دید که در بیشتر بافت‌های تاریخی کمتر اثری از شواهد معماری گذشته دیده می‌شود. در سال ۱۳۹۰ تمرینی برای شناسایی خانه‌های قدیمی در شهر دزفول انجام شد. چیزی که عایدمان شد دو تا سه خانه سنتی در یک قطعه شهری بود. یک دلخوشی کاذب در بین ما ایرانیان بخصوص مدیریت‌های شهری، وجود بافت‌ها تاریخی است. غافل از اینکه عمق تخریب‌ها به حدی است که شاید چیزی بنام بافت تاریخی در شهرهای بزرگ و کوچک نداشته باشیم.

در اردیبهشت ۱۳۹۱ بخشی از بافت تاریخی شیراز توسط شهرداری و چند سازمان دیگر دولتی تخریب شد. محو صفحات تاریخ یک کشور به معنای پاک کردن بخش‌هایی از تاریخ آنهاست. این چیزی است که در ایران در حال اتفاق است و در چند سال اخیر بشدت سرعت و گسترش یافته است.

شهر شیراز و شهرهای مشابه آن مانند اصفهان، مشهد، کاشان، بوشهر، تبریز، کرمان، قم و... تا اواخر قاجار بافت تاریخی یکدست خود را حفظ کرده بودند. با ظهور حکومت پهلوی اول با احداث خیابان‌های جدید در شهرهای تاریخی نخستین اقدامات تخریب گرایانه آغاز گردید. و این اقدامات همچنان با سرعت در حال تداوم است. به گونه‌ای که تا چند صباحی دیگر شاید تک بناها نیز قربانی شوند.

نتیجه این تخریب‌ها از نگاه یک مورخ معمار چیست؟ کسانی که اصلی‌ترین منابعشان، آثار و بناها و بافت‌های تاریخی است؟

بسیار روشن است. هر بنایی که تخریب شود یک سند تاریخی از بین رفته است. و هر بخشی از محلات تخریب شود بخشی از تصویر زندگی اجتماعی مردمان آنها پاک شده است. نابودی منابع تاریخی به معنای نابودی بخشی از شناسنامه فرهنگی هر کشور است. و چقدر آسان برخی آگاهانه یا ناآگاهانه مشغول این پاکسازی هویتی هستند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۶۶۳۱/های-بافت/>